

روش‌شناسی تاریخی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای مبنتی بر کتاب «انسان ۲۵۰ ساله»

Moharrami47@gmail.com

غلامحسین محرمی / استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

کلمه مهدی تابنده / کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات و پژوهشگر مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی

Tabande30@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

چکیده

این مقاله کوشیده است روشی را که آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای براساس آن به تحلیل تاریخ می‌پردازند، دریابد. بدین‌منظور کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» را که از بیانات ایشان تدوین شده، به‌عنوان موضوع مطالعاتی انتخاب کرده است. شناخت دقیق این روش ما را به فهم بهتر سخنان رهبر انقلاب و استفاده کاربردی از آن رهنمون می‌شود. در این زمینه توجه به تاریخ صدر اسلام و دوره امامت، علاوه بر برجستگی بعد تاریخی آن، به‌سبب آنکه اکثریت جامعه ایران را شیعیان تشکیل می‌دهند، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. اینکه رهبر انقلاب به‌عنوان رهبر امت اسلامی، چگونه به این مقطع تاریخی می‌نگرند، اهمیت این پژوهش را بیشتر می‌کند. از این‌رو، در این پژوهش سعی شده تا نشان داده شود که آیت‌الله خامنه‌ای با نگاهی جامع و روشمند به مطالعه تاریخ و به‌ویژه تاریخ صدر اسلام پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: سند، روایت، روش، انسان ۲۵۰ ساله، سیدعلی خامنه‌ای.

شناخت روشی که *آیت‌الله خامنه‌ای* در تحلیل تاریخ از آن استفاده می‌کند و میزان تسلط ایشان بر تاریخ، هدف این پژوهش است. اهمیت این پژوهش در آن است که تحلیل تاریخ نیاز به خبرگی در تاریخ دارد و نمی‌توان بی‌محابا و بدون داشتن زمینه علمی به سراغ تاریخ رفت. حال سؤال این است که رهبر انقلاب چگونه و با استفاده از چه روش‌هایی به توصیف و تحلیل تاریخ زندگانی ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌پردازند؟

برای پاسخ به این سؤال، کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* که برگرفته از بیانات تاریخی و متون دست‌نویس معظم‌له درباره ائمه اطهار علیهم‌السلام است، به‌عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب گردید. این کتاب شامل هفده فصل است که به‌ترتیب تاریخی زندگی معصومان علیهم‌السلام گردآوری شده است.

سؤالات تحقیق این‌گونه تنظیم شده است: روش تحلیل تاریخی معظم‌له در کتاب مزبور چگونه بوده است؟ منابع استفاده‌شده توسط ایشان در تاریخ کدام است؟ ایشان چه میزان به سند گزارش توجه داشته است؟ شاخص‌های تحلیل تاریخ در کتاب مزبور چیست؟

در بررسی‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیدیم که تاکنون در هیچ تحقیقی روش‌های تحلیل تاریخی معظم‌له بررسی نشده و بدین‌روی مقاله حاضر از این حیث دارای اهمیت است که علاوه بر گشودن بای جدید در شناخت منظومه فکری معظم‌له، برخی ابعاد تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری *آیت‌الله خامنه‌ای* را نیز به نمایش می‌گذارد.

براین‌اساس، سه محور در مقاله مدنظر است: نخست بررسی منابع استفاده‌شده رهبر انقلاب در روایت تاریخ، که از حیث آماری به تشریح منابع و میزان استفاده از هر منبع در فصول کتاب می‌پردازیم. دوم بررسی میزان توجه معظم‌له به سند گزارش‌های تاریخی است. در این‌باره به بیان ظرافت‌های حدیث‌شناسی در نگاه ایشان پرداخته و کیفیت روایات از حیث نوع خبر بررسی گردیده است. سوم شاخص‌های تحلیل متن از نظر معظم‌له تبیین گردیده است. در این‌باره، مقدمه و ۱۷ فصل کتاب بررسی شد که - در مجموع - ۱۶ ویژگی در روش تحلیل ایشان کشف گردید. در پایان پژوهش نیز نتیجه بیان گردیده است.

منابع استفاده مقام معظم رهبری در روایت تاریخ

در بررسی کتاب مشهود است که معظم‌له در بیان تاریخ، از انواع منابع قرآنی، حدیثی، کلامی، رجال و تاریخی استفاده می‌کند. در زمینه قرآن، از سوره‌های انبیاء، آل عمران، قلم، علق، انعام، جمعه، حجر، حدید، انفال، بقره، فتح، توبه، روم، منافقون، مائده، مریم، نساء، اعراف، صف و کوثر استفاده شده است.

در باب منابع حدیثی از کتاب‌های *بحار الانوار* مجلدات ۶، ۱۷، ۱۹، ۲۶، ۳۳، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۲، ۷۲، ۷۵ و ۹۹؛ *کافی*، مجلدات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۸؛ *شرح اصول کافی*، جلد ۱؛ *عیون اخبار الرضا*، جلد ۲؛ *احتجاج*، جلد ۱ و ۲؛ *تحف العقول*؛ *نهج البلاغه*؛ *شرح نهج البلاغه*، مجلدات ۴، ۱۶ و ۱۸؛ *وسائل الشیعه*، مجلدات ۱ و ۱۱؛

الحیات، جلد ۲؛ مناقب مناقب آل ابی‌طالب، مجلدات ۲، ۳ و ۴؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ دعائم الاسلام، جلد ۲؛ ثمر الدر، جلد ۳؛ روضة المتقین، جلد ۵؛ عوالم العلوم والمعارف، جلد ۱۱ و جامع احادیث الشیعه، جلد ۲۳ استفاده کرده است.

در خصوص منابع کلامی از دو کتاب *التعجب من اغلاط العامة فی مسألة الامامة* و کتاب *کمال الدین و تمام النعمه*، جلد ۱ بهره برده‌اند.

درباره منابع رجالی از کتاب‌های *قاموس الرجال*، مجلدات ۲ و ۸؛ *رجال نجاشی*؛ *درجات الرفیعه*؛ و *اعیان الشیعه*، جلد ۱ استفاده نموده‌اند.

از منابع تاریخی، کتاب‌های *الکامل*، جلد ۵؛ *اخبار الطوال*؛ *ارشاد*، جلد ۲؛ *لهوف*؛ *انساب الاشراف*، جلد ۷؛ *تاریخ طبری*، مجلدات ۵ و ۷؛ *تاریخ یعقوبی*، جلد ۲؛ *ثورة الحسین*؛ *جهاد الشیعه*؛ *سیرة النبویه*، جلد ۲؛ *صلح امام حسن*؛ و *طبقات الکبری* ابن‌سعد، مجلدات ۱ و ۲ مورد استفاده قرار گرفته است.

همچنین معظم له از برخی کتب دیگر مانند *گلستان سعدی*، *طبقات الشعرا*؛ *معنی اللیب و ازالة الخفاء عن خلافة الخلفاء* (از کتب اهل سنت) نیز استفاده نموده است.

بیشترین استفاده - به ترتیب - از منابع حدیثی، قرآنی، تاریخی، رجالی و کلامی بوده است. از مقدمه تا فصل ششم، عمدتاً از منابع حدیثی و قرآنی استفاده شده و از فصل هفتم به بعد منابع تاریخی جایگزین منابع قرآنی گردیده است:

- در مقدمه کتاب از منابع حدیثی، جلد چهارم *الکافی*، جلد ششم *بحار الانوار* و جلد دوم *عیون اخبار الرضا*؛ و از منابع قرآنی، آیات ۱۱۱ انبیا و ۱۶۴ آل عمران؛

- در فصل «پیامبر» از منابع قرآنی؛ آیات ۴ قلم، ۱ علق، ۱۲۵ انعام، ۲ جمعه، ۹۱ حجر، ۲۵ حدید، ۱۵۲ و ۱۶۴ آل عمران، ۷ و ۸ انفال، ۱۴۳ بقره، ۱ فتح، ۷۷ و ۱۲۵ توبه، ۱۰ روم، ۸ منافقون، ۳ مائده، ۱۲ مریم؛ منابع حدیثی *نهج البلاغه*، جلد ۱؛ *احتجاج*، جلد ۲ و ۳؛ *الکافی*، جلد ۱۷؛ *بحار الانوار*، *تحف العقول*، جلد ۱؛ *شرح اصول کافی*، جلد ۱؛ و *وسائل الشیعه*؛ و منابع تاریخی از جلد دوم *سیرة النبویه*؛

- در فصل «امامت» از منابع قرآنی، آیه ۵۹ نساء و از منابع حدیثی *نهج البلاغه*؛ و جلد یک *الکافی*؛
- در فصل «امیرالمؤمنین

علیه السلام» از منابع قرآنی، آیات ۸ صف و ۱ کوثر؛ حدیثی، جلد ۲ *الکافی*؛ جلد ۴۳ *بحار الانوار*؛ جلد ۵ *روضه المتقین*؛ جلد سوم *مناقب آل ابی‌طالب*؛ و کتاب کلامی *التعجب من اغلاط العامة فی مسألة الامامة*؛

- در فصل «امام حسن علیه السلام» از منابع قرآنی، آیات ۲۰۴ و ۲۰۷ بقره و ۵۴ آل عمران؛ حدیثی جلد ۱/ الاحتجاج؛ مجلدات ۱ و ۸۰۵/ الکافی؛ مجلدات ۴۴ و ۷۵/ بحار الانوار؛ تحف العقول؛ جلد ۱۹ شرح نهج البلاغه؛ جلد ۱۱ و کتاب رجالی عوالم العلوم و المعارف؛

- در فصل «امام حسین علیه السلام» از منابع قرآنی، آیات ۷۳ توبه، ۲۰ حدید و ۵۴ مائده؛ منابع حدیثی جلد دوم الکافی؛ جلد ۴۴ بحار الانوار؛ و کتاب رجالی جلد ۱/ اعیان الشیعه؛

- در فصل‌های هفتم تا نهم که درباره امام سجاد علیه السلام و وقایع پس از عاشورا است، از منابع قرآنی، آیات ۷۸ و ۷۸/ کهف، ۳۸ حج، ۱۷۸ آل عمران؛ منابع حدیثی، مجلدات ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۷۵ و ۴۸/ بحار الانوار؛ جلد ۴ شرح نهج البلاغه؛ جلد‌های ۸ و ۲/ الکافی؛ و تحف العقول؛ منابع تاریخی، اخبار الطوال؛ جلد ۷/ انساب الاشراف؛ جلد ۵ تاریخ طبری؛ جلد ۲/ اللهوف؛ جلد ۲ تاریخ یعقوبی؛ جلد ۲ الطبقات الکبری ابن سعد و دو منبع ادبی طبقات الشعراء و مغنی اللیب؛

- در فصل «امام باقر علیه السلام» از منابع قرآنی، آیات ۸۶ هود، ۱۵ و ۳۱ مریم؛ منابع حدیثی جلد ۱/ الکافی و جلد‌های ۲۶ و ۴۶/ بحار الانوار؛ جلد ۴ شرح نهج البلاغه، جلد ۴ مناقب آل ابی طالب و کتاب رجالی قاموس الرجال؛

- در فصل یازدهم که توصیف اواخر امامت امام باقر علیه السلام و اوایل امامت امام صادق علیه السلام است، از منابع حدیثی، جلد ۴۷/ بحار الانوار و تاریخی، جلد ۵/ الکامل و جلد ۱/ الطبقات الکبری ابن سعد؛

- در فصل «امام صادق علیه السلام» از منابع قرآنی، آیات ۱۶۷ بقره و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ سبأ، ۱۹ تا ۱۰۲ شعراء، ۹۷ نساء؛ منابع حدیثی جلد ۱/ الاحتجاج؛ جلد ۱/ الکافی؛ جلد ۴ مناقب آل ابی طالب؛ جلد‌های ۴۷ و ۷۲/ بحار الانوار؛ و مرآت العقول؛

- در فصل «تشکیلات پنهان» از منابع حدیثی، تحف العقول و منابع تاریخی، جلد ۷ تاریخ طبری؛ جهاد الشیعه؛ صلح امام حسن علیه السلام؛ و ثورة الحسین علیه السلام؛

- در فصل «امام کاظم علیه السلام» از منابع حدیثی، جلد ۴۸/ بحار الانوار؛ جلد ۸/ الکافی؛ و جلد ۲/ الاحتجاج؛

- در فصل «امام رضا علیه السلام» از منبع تاریخی، ج ۲/ الارشاد؛

- در فصل شانزدهم «امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام» از منابع قرآنی، آیه ۱۲ مریم؛ منابع حدیثی جلد ۴ مناقب آل ابی طالب؛ و منبع رجالی رجال النجاشی؛

- در فصل «غایت انسان ۲۵۰ ساله» از منابع قرآنی، آیات ۱۲۸ اعراف و ۵ قصص؛ منابع حدیثی نهج البلاغه؛ جلد‌های ۱ و ۳/ الکافی؛ جلد‌های ۵۲ و ۹۹، بحار الانوار؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ جلد ۲۳ جامع احادیث

الشیعه؛ منبع کلامی، جلد ۱ کمال الدین و تمام النعمه استفاده شده است.

نکته اینکه موضوع پراهمیت «تاریخ امامت» این اقتضا را دارد که صرفاً به منابع تاریخی اکتفا نشود و از سایر منابع مورد قبول دانشمندان اسلامی نیز استفاده گردد. بدین‌روى ایشان با اشراف بر این نکته، از لابه‌لای منابع به تحلیل‌های بدیعی دست یافته که دسترسی به آنها به‌سهولت برای یک مورخ صرف امکان‌پذیر نیست.

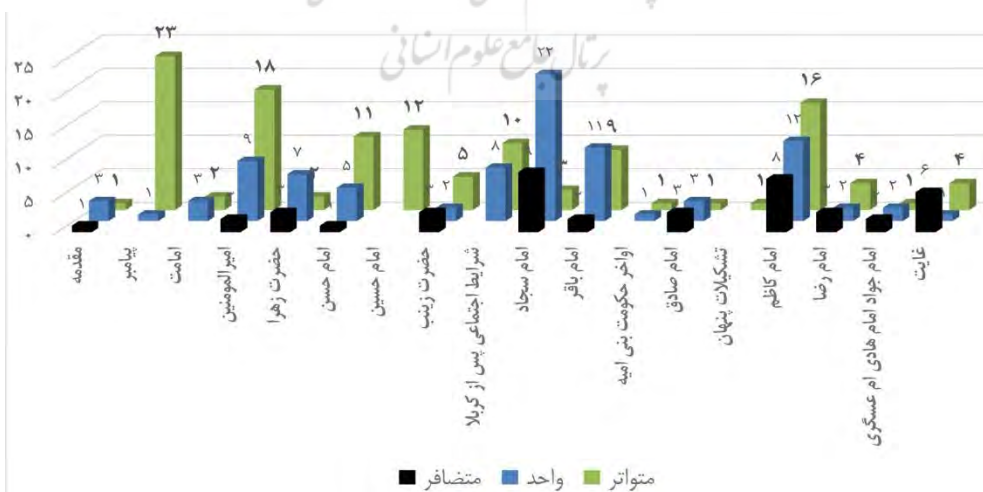
میزان توجه رهبر انقلاب به سند روایت

«مهم‌ترین وظیفه ما بررسی در سند حدیث و متن حدیث است» (فیض، ۱۳۸۴، ص ۴۴). در بررسی ۲۵۸ روایت حدیثی و گزارش تاریخی استفاده‌شده در متن کتاب، به این نتیجه رسیدیم که ۴۷.۹٪ روایات، جزو مشهورات تاریخی یا احادیث متواتر، ۱۶.۶٪ روایات متضافر و ۳۵.۵٪ خبر واحد هستند. در نمودار (۱) نسبت استفاده از انواع حدیث در هر فصل کتاب ارائه شده است.

عمده روایات فصل‌های پیامبر ﷺ، امیرمؤمنان، امام حسن، امام حسین ﷺ، شرایط اجتماعی و سیاسی پس از حادثه کربلا، امام کاظم و امام رضا ﷺ متواتر و مشهور هستند. در فصل‌های مقدمه، امامت، حضرت فاطمه زهرا ﷺ، امام سجاد و امام باقر ﷺ عمده روایات استفاده‌شده خبر واحد محسوب می‌شوند. در فصل غایت حرکت انسان ۲۵۰ ساله، بیشتر از روایات متضافر استفاده شده است.

در فصل‌های امیرمؤمنان ﷺ، شرایط اجتماعی و سیاسی پس از حادثه کربلا، امام باقر و امام کاظم ﷺ روایات متواتر و واحد و در فصل غایت حرکت انسان ۲۵۰ ساله، تعداد روایات متواتر و متضافر تقریباً برابر است. استفاده از روایات متضافر در دو فصل امام سجاد و امام کاظم ﷺ چشمگیر است.

نمودار ۱: نمایه مضمون کتاب براساس نوع روایت و گزارش‌های استفاده‌شده



معظم‌له دقت و ویژه‌ای در صحت روایات دارند و بعضاً به آن اشاره نموده‌اند:

روایاتی در بعضی از کتب هست که حاکی از اظهار تذلل حضرت سجاد^ع پیش مسلم‌بن عقبه است و من هم این روایت‌ها را تکذیب قطعی می‌کنم؛ برای اینکه اولاً، این روایات به‌هیچ سند صحیحی متکی نیست. ثانیاً، روایات دیگری وجود دارد که آنها را از جهت مضمون تکذیب می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۲۲۸).

ایشان در شعر «ما توهمتُ یا شقیق فؤادی» تشکیک می‌کند: «اگر این شعری که به حضرت زینب^ع منسوب است درست باشد...» (همان، ص ۲۲۴) و درباره امام صادق^ع می‌فرماید:

البته آن روایاتی هم که دارد که حضرت پیش منصور تذلل کردند و کوچکی کردند، هیچ کدامش درست نیست. بنده دنبال روایات رفته، اصلاً اصل و اساس ندارد؛ غالباً می‌رسد به ربیع حاجب. ربیع حاجب فاسق قطعی است... (همان، ص ۳۱۵).

در خصوص نحوه استفاده رهبر انقلاب از روایات ضعیف‌السند، تنها اشاره‌ای که می‌توان یافت این است:

در ملاقات امام سجاد^ع با مسلم‌بن عقبه روایات متعددی هست که هیچ‌کدام با همدیگر سازگار نیستند و چون برخی از آن روایات با منش و روش ائمه^ع منطبق تر و سازگارتر است، ما آنها را می‌پذیریم و به‌طور طبیعی قبول می‌کنیم. وقتی ما آنها را قبول کردیم، آن روایات دیگر بکلی مردود خواهد شد و من شک ندارم که آن روایات نادرست است (همان، ص ۲۲۸).

معظم‌له در آخرین فصل، درباره واژگان روایت هم بحث می‌کند:

نکنه این است که در تمام روایاتی که در باب حضرت مهدی (عج) هست، این جمله این‌جوری است: «يَمَلَأُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». در یک‌جا بنده تا حالا ندیدم و گمان نمی‌کنم «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» وجود داشته باشد. با توجه به اینکه من مراجعه کردم به روایات، هیچ‌جا نداریم که «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». همه‌جا این‌جوری است: «كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (همان، ص ۴۱۳).

بیشتر تحلیل‌های تاریخی معظم‌له در بیانات خطاب به مردم عادی ارائه شده است. بنابراین هرچند در برخی از روایات که نقل شده به منبع اشاره دارد (مانند صفحات ۱۳۶ و ۲۰۸ و ۲۱۳ و ۲۳۴ و ۲۶۵ و ۳۱۹)، اما به‌سبب اینکه عمدتاً مخاطب سخنان تاریخی معظم‌له افرادی هستند که دغدغه روشمندی تاریخی ندارند و بیشتر به دنبال شنیدن درس‌ها و عبرت‌های تاریخ هستند، این روش جاری معظم‌له برای بیان تاریخ نیست، بلکه با این بیان عمدتاً تسلط تاریخی خود را نشان می‌دهند، اما اصلاً قائل به درگیر شدن در مباحث فنی تاریخ در هنگام ارائه مطلب به‌سبب سنگین شدن بحث و عدم نیاز به بیان آنها در سخنرانی نیستند و چندان به منابع ارجاع نمی‌دهد، با این حال برای خواننده آگاه کتاب، وجوه تسلط رهبری بر منابع مشهود است.

مراجعه به مفاد تاریخی در بخشی از متن سخنان، ناظر به ارائه شاهد برای اصل مطلب است و از این‌رو، فقط به اصل محتوای تاریخی بدون ارجاع به منبع اشاره شده است. این نمونه را می‌توان در صفحات ۲۱ و ۲۲ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۲ و ۲۳ کتاب مشاهده نمود که به‌هیچ‌عنوان ارجاع داده نشده و همگی در جهت تأیید تاریخی تحلیل رهبری از موضوع بحث به کار گرفته شده است. در فرازی از کتاب درباره امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

تنها راهی که می‌تواند ما را با خط کلی زندگی امام آشنا سازد، آن است که نمودارهای مهم زندگی آن حضرت را در لابه‌لای این ابهام‌ها یافته، به کمک خصوصیات و دقیق، در انتظار قراین و دلایل پراکنده تاریخی و نیز قرآینی بجز تاریخ بمانیم (همان، ص ۳۰۶).

به نظر می‌رسد برخی منابع نیز شامل مرور زمان شده و منبع آنها در خاطر معظم‌له نبوده است. بدین‌روی ضمن بیان محتوای تاریخی می‌فرماید:

من همین قدر اشاره می‌کنم برای اینکه کسانی که اهل مطالعه‌اند، اهل تحقیق‌اند، علاقه‌مند به این مسائل هستند، بروند؛ مظانث اینهاست، بروند دنبالش پیدا کنند (همان، ص ۳۵۴).

شاخص‌های بررسی و تحلیل متن از نظر رهبر معظم انقلاب

یکم. تبیین زاویه نگاه

از نخستین ویژگی‌های یک تحقیق آن است که محقق بداند از کدام زاویه می‌خواهد به موضوع خود نگاه کند. این امر سبب تعیین درست محدوده تحقیق می‌شود. «مسئله باید به‌طور واضح تعریف گردد» (حافظنیا، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶). آیت‌الله خامنه‌ای در بررسی تاریخ صدر اسلام با زاویه نگاه مشخصی به تبیین مسئله می‌پردازد:

عنصر مبارزه سیاسی حاد که خط ممتد زندگی ائمه علیهم‌السلام را در طول ۲۵۰ سال تشکیل می‌دهد، در لابه‌لای روایات و احادیث و شرح‌حال‌ها گم شده (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۵).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که رهبر انقلاب به تاریخ ائمه اطهار علیهم‌السلام از زاویه تبیین «مبارزه حاد سیاسی» می‌نگرد.

دوم. تعریف مفاهیم و اصطلاحات

در پژوهش، «اصطلاحات و مفاهیم اختصاصی و تخصصی باید تعریف شود» (حافظنیا، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶). تعریف ایشان از «مبارزه حاد سیاسی» چیست؟

مبارزه حاد سیاسی که ما به ائمه علیهم‌السلام نسبت می‌دهیم یعنی: مبارزه‌ای با یک هدف سیاسی. آن هدف سیاسی چیست؟ عبارت است از: تشکیل حکومت اسلامی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۷).

مبارزه در هر زمانی به شکل خاصی است؛ گاهی مبارزه با کارهای فرهنگی، علمی، سیاسی، تشکیل و تحزب و ایجاد سازماندهی، و گاهی با کارهای خونین، فعالیت‌های جنگی و نبرد آشکار است (همان، ص ۷۲).

در نگاه رهبر، مبارزه سیاسی، نه صرفاً مبارزه علمی، اعتقادی و کلامی برای اثبات مکتب و منکوب کردن دشمن است و نه مبارزه مسلحانه محض از جنس اقدامات جناب زیدبن علی و بنی‌الحسن و آل‌جعفر (همان، ص ۱۷). منظور معظم‌له از کلمه «حاد» نیز حرکت همه‌جانبه علمی، فرهنگی، سیاسی، حزبی و نظامی با حداکثر توان در جهت ایجاد حکومت علوی در سریع‌ترین زمان ممکن است.

سوم. بیان فرضیه

«فرضیه (باید) قابلیت طرح ادعای مشخصی از سوی محقق را داشته باشد که بتوان در پرتو آزمون یا پژوهش آن را تأیید یا رد کرد (حافظنیا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴). سه فرض را می‌توان در کتاب پیگیری کرد. رهبر انقلاب نخست با این فرض به بیان تاریخ می‌پردازد که «تمام کارهای ائمه علیهم‌السلام در طول این ۲۵۰ سال کار یک انسان، با یک هدف، با یک نیت و با تاکتیک‌های مختلف است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۲۰). این فرض - در واقع - خط اتصال تمام سخنان معظم‌له به هم بوده و ایشان درصدد اثبات آن است. دومین فرضیه این است:

ادعای امامت از طرف ائمه علیهم‌السلام دقیقاً ادعای حق حکومت نیز هست و دعوت همه‌جاگستر آنان در حقیقت دعوت به مبارزه‌ای سیاسی - نظامی برای به‌دست آوردن حکومت بوده است (همان، ص ۷۱).

سومین فرض هم آن است که «ائمه علیهم‌السلام از لحظه وفات رسول‌الله تا سال ۲۶۰ درصدد بودند که حکومت الهی را در جامعه اسلامی به وجود بیاورند (همان، ص ۱۸، ۱۶ و ۳۴۶).

چهارم. بررسی پیشینه و ادبیات پژوهش
«در مرحله مطالعه، محقق یافته‌های دیگران و به‌عبارتی سابقه و پیشینه مسئله را گردآوری می‌کند و در صورتی که پاسخ مسئله خود را پیدا نکرد مرحله پژوهش را آغاز می‌کند» (حافظنیا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶). معظم‌له ضمن ابراز تأسف از اینکه تاکنون با چنین نگاهی به تاریخ ائمه علیهم‌السلام توجه نشده، اهمیت و ضرورت آن را بیان می‌دارد:

آنی که من عرض می‌کنم ناشناخته است، این نکته است که متأسفانه در کتاب‌هایی که در زندگی ائمه علیهم‌السلام نوشته شده این نکته معرفی نشده (همان، ص ۲۴).

درواقع از منظر ایشان این امر فاقد پیشینه مطالعاتی مناسب است و به همین سبب، باید از این زاویه به مطالعه تاریخ پرداخت. در پانوشت صفحه ۲۴۷ از قول رهبر انقلاب می‌خوانیم:

متأسفانه باید بگویم در تیتراهای این‌گونه بیانات امام سجاد علیه‌السلام - که محدثین انتخاب کرده‌اند - هیچ‌کدام اشاره‌ای به آن محتوایی که ما اشاره کردیم، ندارد. غالباً اینها را هم ذیل عنوان «زهد» ذکر کرده‌اند. باید اشاره‌ای هم می‌شد که امام علیه‌السلام در این بیانشان دارند به مسائل سیاسی اشاره می‌کنند.

در فصل یازدهم درباره امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «این زندگی پرماجرا که از لابه‌لای صدها روایت تاریخ مشاهده می‌شود، نه در تاریخ و نه در گفتار محدثان و تذکره‌نویسان، هرگز به شکل مرتب و پیوسته منعکس نگشته» (همان، ص ۳۰۴). درباره امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

حالا اگر شما سؤال کنید که موسی بن جعفر علیه السلام وقتی به امامت رسید چطور مبارزه را شروع کرد؟ چه کار کرد؟ چه کسانی را جمع کرد؟ کجاها رفت؟ در این ۳۵ سال چه حوادثی برای موسی بن جعفر علیه السلام پیش آمد؟ متأسفانه بنده جواب روشنی ندارم و این همان چیزی است که یکی از غصه‌های آدمی است که در زندگی صدر اسلام تحقیق می‌کند، یک زندگی مرتب و مدونی از این دوران ۳۵ ساله در اختیار هیچ کس نیست. اینی که عرض می‌کنم کتاب نوشته نشده، کار تحقیقاتی انجام نگرفته و باید بشود، به‌خاطر همین است. یک چیزهای پراکنده‌ای هست که از مجموع اینها می‌توان چیزهای زیادی فهمید (همان، ص ۳۴۹).

پنجم. پرهیز از پیش‌داوری و نگاه اعتقادی به تاریخ

پرهیز از هرگونه پیش‌داوری، قضاوت عجولانه، جانبداری و داوری‌های ناصواب باعث می‌شود تحقیق از مرحله گردآوری اطلاعات تا تجزیه و تحلیل‌شان جریان طبیعی خود را حفظ کند (ملائی‌توانی، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

ایشان می‌فرماید:

ما اصلاً از دیدگاه اعتقادی بحث نمی‌کنیم؛ یعنی من خوش ندارم که مسائل را از آن دیدگاه بررسی کنم، بلکه فقط از جنبه تاریخی آن را مطرح می‌کنم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴).

ششم. بیان روش تحقیق

در فصل یازدهم، ایشان نگاهی گذرا به روش تحقیق در تاریخ دارد و احاطه فنی خود را به تاریخ نشان می‌دهد:

این زندگی پرماجرا و حادثه‌خیز که کشمکش‌ها و فراز و نشیب‌های آن از لابه‌لای صدها روایت تاریخی مشاهده می‌شود، نه در تاریخ و نه در گفتار محدثان و تذکره‌نویسان، هرگز به شکل مرتب و پیوسته منعکس نگشته و زمان و خصوصیات بیشتر حوادث آن تعیین نشده است. پژوهشگر باید با تکیه بر قرائن و ملاحظه جریان‌های کلی زمان و مقایسه هر روایت، با اطلاعاتی که درباره اشخاص یا حوادث یادشده در آن، از منابع دیگر می‌توان به‌دست آورد، زمان و مکان و خصوصیات حادثه را کشف کند. علت دیگر را در خصلت تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نویسان باید جست‌وجو کرد. یک جمع محکوم و مظلوم اگر در تاریخ رسمی، نامی هم داشته باشد و خاطره‌ای از او ثبت شود، بی‌شک چنان خواهد بود که جریان حاکم و ظالم خواسته و گفته و وانمود کرده است. برای مورخ رسمی، غیر از سخنان دل‌آزار درباره محکومان که می‌باید به سعی و تلاش فراوان از اینجا و آنجا جست و با بیم فراوان ثبت کرد، خبرها و سخن‌های بسیاری از حاکمان در

دست هست که بی زحمت و نیز بی دغدغه می توان به دست آورد و مزد گرفت و خطر نکرد. اکنون این حقیقت روشن را در کنار واقعیت دیگری می گذاریم. همه تواریخ معروف و معتبری که مدارک و مآخذ بیشترین تحقیقات و گزارش های بعدی به شمار می آید و تا پانصد سال بعد از زندگی امام صادق علیه السلام نوشته شده است، دارای صبغه عباسی است. تنها راهی که می تواند ما را با خط کلی زندگی امام آشنا سازد، آن است که نمودارهای مهم زندگی آن حضرت را در لابه لای این ابهام ها یافته، به کمک آنچه از اصول کلی تفکر و اخلاق آن حضرت می شناسیم، خطوط اصلی زندگی نامه امام را ترسیم کنیم و آنگاه برای تعیین خصوصیات و دقائق، در انتظار قراین و دلایل پراکنده تاریخی و نیز قرآینی بجز تاریخ بمانیم (همان، ص ۳۰۴).

هفتم. محدوده موضوعی و زمانی پژوهش

ایشان قائل به وجود یک جهت گیری سیاسی در زندگی ائمه اطهار علیهم السلام است: «زندگی مستمر این عزیزان معصوم با یک جهت گیری سیاسی همراه است و بنده به این مطلب خواهم پرداخت» (همان، ص ۱۷). ایشان در واقع با این بیان، محدوده موضوعی تحقیق خود را نیز مشخص می کند.

همچنین شروع بررسی معظله درباره ائمه اطهار علیهم السلام مربوط است به شروع امامت هر امام، و این لحظه نقطه آغاز حرکت سیاسی آن امام است و باید از این زمان رفتارهای امام تحلیل شود.

ائمه علیهم السلام همه شان به مجرد اینکه بار امانت را تحویل می گرفتند، یکی از کارهایی که شروع می کردند یک مبارزه سیاسی بود برای گرفتن حکومت (همان، ص ۲۴).

معظله با این بیان در واقع محدوده زمانی بررسی خود را بیان می دارد.

هشتم. نوآوری و تازگی در انتخاب مسئله

«اهمیت موضوع در تازگی آن است و باید به نحوی باشد که در نتیجه تحقیق آن، نکته ای تازه کشف و مطلب تاریک و مبهمی روشن شود و آگاهی های موجود را بتوان تصحیح کرد» (قائم مقامی، ۱۳۵۸، ص ۱۱). هدف رهبر انقلاب در حوزه تاریخ، فتح بابی جدید در مطالعات تاریخی است.

من رؤس مطالب را عرض می کنم، برای اینکه آن کسانی که شوق دارند دنبال این مسئله بروند، با این چارچوب یکبار دیگر روایات را نگاه کنند و کتب تاریخ را ببینند (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۵، ص ۱۹).

این به معنای گشودن پنجره ای جدید به سوی تاریخ است. ایشان در انتهای فصل امام رضا علیه السلام می فرماید:

این گذری بر یکی از فصل های عمده زندگی نامه سیاسی ۲۵۰ ساله ائمه علیهم السلام بود که امید است محققان و اندیشمندان و کاوشگران تاریخ قرن های اولیه اسلام همت بر تنقیح و تشریح و تحقیق هر چه بیشتر آن بگمارند (همان، ص ۳۷۹).

نهم. نگاه فرایندی به تاریخ

درباره آثار و پیامدهای رخدادهای تاریخی، توجه به این نکته ضرورت دارد که بسیاری از رخدادهای یا تحولات را باید به صورت فرایندی نگریست؛ زیرا این تحولات به مثابه کلاف‌های در حال باز شدن هستند و رفته رفته نیروها، آثار و نتایج خود را بروز می‌دهند و اگر آنها را در مرحله خاصی متوقف کنیم - در واقع - شناخت درستی از آنها به دست نیاورده‌ایم (ملائی توانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹).

رهبر انقلاب تاریخ را «فرایندی» و «هوشمندانه» مطالعه می‌کنند. به تعبیری می‌توان تاریخ را «داده» وار مطالعه کرد؛ یعنی فقط یک داده تاریخی خام و پرورش نیافته را مدنظر قرار داد و از همان نتیجه گرفت و یا تاریخ را هوشمندانه و با اتصال داده‌های گوناگون به هم و به شکل «محصولی که از جمع‌آوری، ارزیابی، تجزیه و تحلیل، ترکیب و تفسیر اطلاعات خام به دست می‌آید» (کالینز، ۱۳۸۶، ص ۴۷۴) مطالعه کرد؛ به این معنا که ابتدا داده‌ها را جمع‌آوری نمود، سپس آنها را بر زمان منطبق نمود و قائل به گذشته، حال و آینده برای آن «داده» بود و در آخر، این اطلاعات زمانمند را در یک وادی (Paradigm) مشخص مطالعه نمود.

اگر انسان هر واقعه‌ای را جداگانه حساب کند چیزی ملتفت نمی‌شود. باید نگاه کند و ببیند ترکیب کار چگونه است؟ چطور همه این کارها مدبرانه، هوشیارانه و با محاسبه صحیح انجام گرفته است؟ (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۴۱).

در جای دیگر بیان می‌دارد:

اگر حوادث جزئی را بریده از آن جهت‌گیری کلی در زندگی امام - سجاد علیه السلام - مورد مطالعه قرار دهیم، بیوگرافی امام فهمیده نخواهد شد. مهم این است که ما جهت‌گیری کلی را بشناسیم (همان، ص ۲۲۰).

نوع نخست این مطالعه هوشمندانه و فرایندی، دوره ۲۵۰ ساله امامت را شامل می‌شود که البته با دوران نبوت و غیبت هم قابل ترکیب است. در این خصوص، به دفعات در کتاب شاهد اشارات گوناگونی هستیم:

باید یک انسانی را فرض کنیم که ۲۵۰ سال عمر کرده و در سال یازدهم هجرت قدم در یک راهی گذاشته و تا سال ۲۶۰ هجری این راه را طی کرده. تمام حرکات این انسان بزرگ و معصوم با این دید قابل فهم و قابل توجیه خواهد بود (همان، ص ۱۶).

در جایی دیگر درباره حکومت امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

امیرالمؤمنین علیه السلام در این مدت نشان داد که اصول اسلامی که در دوران انزوای اسلام و دوران کوچکی جامعه اسلامی به وجود آمده بود، در دوران گسترش جامعه اسلامی هم قابل پیاده شدن است. اگر علی علیه السلام را از این وسط حذف می‌کردیم، ممکن بود تاریخ این طور قضاوت کند که اصول اسلامی و ارزش‌های نبوی خوب بود؛ اما در همان دوره مدینه‌النبی (همان، ص ۹۳).

درباره امام رضا علیه السلام نیز ایشان از همین ادبیات استفاده می‌کند:

اما به تدبیر می‌توان فهمید که امام هشتم در این دوران - دوره امامت امام - همان مبارزه درازمدت اهل بیت را که در همه اعصار بعد از عاشورا استمرار داشته، با همان جهت‌گیری و همان اهداف ادامه می‌داده است (همان، ص ۳۶۶).

حتی این عنصر تحلیل هوشمندانه در نگاه رهبر انقلاب، امروز را نیز دربر می‌گیرد:

کاری که در زمان امام حسین علیه السلام انجام گرفت، نسخه کوچکش هم در زمان امام ما انجام گرفت؛ منتها آنجا به نتیجه شهادت رسید، اینجا به نتیجه حکومت. این همان است، فرقی نمی‌کند. هدف امام حسین علیه السلام با هدف امام بزرگوار ما یکی بود (همان، ص ۱۷۹).

ایشان قائل به نوع دوم مطالعه هوشمندانه تاریخ هم هست و زندگی هریک از ائمه اطهار علیهم السلام را به شکل هوشمندانه و فرابندی مطالعه می‌کند:

سیره هر کس - به معنای واقعی کلمه - آنگاه روشن می‌شود که ما جهت‌گیری کلی آن شخص را بدانیم و سپس به حوادث جزئی زندگی او بپردازیم. اگر آن جهت‌گیری کلی دانسته شد، آن حوادث جزئی هم معنا پیدا می‌کند؛ اما اگر چنانچه آن جهت‌گیری کلی دانسته نشد یا غلط دانسته شد، آن حوادث جزئی هم بی‌معنی یا دارای معنی نادرستی خواهد شد. این اصل در مورد زندگی همه صدق می‌کند (همان، ص ۲۲۰).

ایشان درباره امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نوزده سال دوران رهبری امام، همانند خطی مستقیم و متصل و روشن» (همان، ص ۲۹۳) و درباره امام کاظم علیه السلام اظهار می‌دارد:

در زندگی نامه آن امام، سخن از حوادث گوناگون بدون توجه به خط جهاد مستمیری که همه عمر ۳۵ ساله امامت آن بزرگوار را فراگرفته بوده است، ناقص و ناتمام می‌ماند. تشریح و تبیین این خط است که همه اجزای این زندگی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و تصویری واضح و جهت‌دار که در آن هر پدیده‌ای دارای معنایی است، ارائه می‌کند (همان، ص ۳۴۴).

صدها حادثه توجه‌برانگیز و پر معنی و در عین حال، ظاهراً بی‌ارتباط و گاه متناقض با یکدیگر در زندگی موسی بن جعفر علیه السلام هنگامی معنا می‌شود و ربط می‌یابد که ما آن رشته مستمیری را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظه شهادتش ادامه داشته، مشاهده کنیم (همان، ص ۳۴۶).

دهم. نگاه توحیدی به تاریخ

امام خامنه‌ای به تاریخ نگاهی توحیدی دارد و وقایع تاریخ را ذیل یکی از ثنویت‌های توحیدی قرآن تحلیل می‌کند. وقتی از این منظر به بررسی تاریخ ائمه اطهار علیهم السلام نگاه شود، تمام روایات و اسناد موجود در قالب یک حرکت توحیدی از جانب امامان معصوم علیهم السلام که انسان را به سوی پذیرش ولایت الله هدایت می‌کند، معنا می‌شود و

هدفداری رفتارها و سخنان ائمه معصوم علیهم‌السلام را به خوبی می‌نماید و سبب مواجه شدن با یک خط سیر مشخص می‌شود. همین توجه و زاویه دید است که در تحلیل تاریخ ائمه اطهار علیهم‌السلام معظم‌له را به «نظریه انسان ۲۵۰ ساله» رهنمون می‌سازد.

در تمام کتاب شاهد شکل دادن یک دوقطبی حق و باطل توسط ایشان هستیم. شروع این دوقطبی‌سازی با آغاز رسالت همراه است. «کار مهم پیامبر خدا، دعوت به حق و حقیقت و جهاد در راه این دعوت بود، در مقابل دنیای ظلمانی زمان خود» (همان، ص ۲۹). در جای دیگر می‌گوید: «دو جریان جداگانه و بکلی متمایز از یکدیگر در اداره و حکمرانی بر مسلمین وجود دارد: یکی جریان سلطنت و یکی جریان خلافت» (همان، ص ۱۴۶).

ایشان در فراز دیگری به تبیین مشخصه هر جریان می‌پردازد: «مشخصه این دو جریان این است: قدرت‌گرایی در یک طرف، و اصول‌گرایی و ارزش‌گرایی و بنیادگرایی در یک سو» (همان، ص ۱۴۹). سپس به تبیین ویژگی‌های هر قطب می‌پردازد:

جریان حق اصالت را می‌داند به دین. قدرت داشتن، حکومت داشتن، دست‌خودشان کار بودن مسائل فرعی بود. جریان دوم برایش اصل این بود که قدرت را به دست بگیرد. می‌خواست حاکم باشد، حالا با هر قیمتی (همان، ص ۱۴۷).

در نگاه فرایندی معظم‌له، این دوقطبی به زمان پیامبر نیز تعمیم می‌یابد.

اگر کسی بخواهد قدری دور از ملاحظات اعتقادی و صرفاً متکی به شواهد تاریخی حرف بزند، شاید بتواند ادعا کند که این جریان، حتی در دوران (حکومت) اسلام به وجود نیامده بود، بلکه ادامه‌ای بود از آنچه که در دوران نهضت پیامبر - دوران مکه - وجود داشت (همان، ص ۱۳۴). رهبر انقلاب حتی هدف هجرت را مبارزه توحیدی میان همین دوقطبی می‌داند (همان، ص ۳۵).

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین مصادیق متناسب به هر جریان را نام می‌برد:

در دوران امام حسن علیه‌السلام، جریان مخالف آنچنان رشد کرد که توانست به صورت یک مانع ظاهر بشود. البته این جریان مخالف در زمان امام مجتبی علیه‌السلام به وجود نیامده بود. بعد از آنکه خلافت در زمان عثمان به دست این قوم رسید، ابوسفیان به آنها خطاب کرد و گفت: «تَلْفُوهَا تَلْفُ الْكُرْه» (همان، ص ۱۳۴).

می‌توان گفت: در نگاه رهبر انقلاب این جریان به سه شکل ظهور یافت: نخست کفار و مشرکان مکه، سپس بنی‌امیه و بعد بنی‌عباس.

در کنار این جریان، جریان اسلام قرآنی که هیچ‌وقت با آن جریان حاکم، اما صدراعززش‌ها کنار نمی‌آمد نیز ادامه پیدا کرد که مصداق بارز آن ائمه علیهم‌السلام و بسیاری از مسلمانان همراه آنان بودند (همان، ص ۱۴۱).

ایشان در ادامه همان مطالعه هوشمندانه تاریخ، از این دوقطبی نتیجه می‌گیرد:

گاهی همان جریانی که اصل برایش قدرت است، ظواهر اسلامی را هم ملاحظه می‌کند. این دلیل نیست؛ باید باطن کار را نگاه کرد و هوشیارانه تشخیص داد که کدام جریان منطبق با کجاست؟ (همان، ص ۱۴۹).

در بیانات معظم‌له در کتاب - دست کم - پانزده نمونه از ثنویت‌های توحیدی قرآن در تحلیل تاریخ لحاظ شده است: حق و باطل، لاله و الاالله، نور و ظلمت، هدایت و ضلالت، حیات طیبه و حیات خبیثه، خیر و شر، مستضعف و مستکبر، رشد و غی، عزت و ذلت، ایمان و کفر، ولایت الله و ولایت طاغوت، موسوی و فرعون، ابراهیمی و نمرودی، قسط و ظلم، عدل و جور.

همچنان که قرآن اشاره می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر: ۲)، رهبر انقلاب از تاریخ برای عبرت گرفتن بهره می‌برد و الگوی تحلیل تاریخ ایشان دقیقاً قرآنی است. نکته مهم اینجاست که با این روش تحلیل، تاریخ به معبری برای رساندن انسان به سعادت تبدیل می‌شود و از یک علم تاریخ سکولار، به یک علم تاریخ «دین‌پایه» خواهیم رسید. به عبارت دیگر، اولین گام در تحلیل تاریخ در منظر امام‌خاصه/ی، تشخیص همین ثنویت‌ها یا دوقطبی‌هاست. یک تحلیلگر تاریخ باید ابتدا از بستر دین، جبهه حق و باطل را تشخیص دهد و بعد به تحلیل بپردازد.

همچنان که شاهد فهرستی از ثنویت‌های قرآنی در کتاب بودیم، با فهرستی از معروف‌ها و منکرهای قرآنی نیز مواجهیم. هنر بزرگ تحلیلگر تاریخ این است که خواننده را با این فهرست آشنا کند. شناخت معروف‌ها و منکرها سبب شکل‌گیری ولایت در انسان می‌شود و دو فرع از فروع دین اسلام را در درون انسان سازماندهی می‌کند: تولا و تبرا. اما این همه کار نیست، امر به معروف و نهی از منکر بستری است که تمام این تحلیل بر پایه آن استوار است و خواننده در هر لحظه از مطالعه تاریخی، مخاطب این امر و نهی است.

اما کلیدی‌ترین بخش «هجرت» است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه: ۲). برای هجرت معانی گوناگونی وجود دارد: هجرت جغرافیایی، هجرت برای کسب علم، هجرت برای نجات از ظلم و... یکی از معانی «هجرت» نیز هجرت از خود به خدا و یا از طاغوت به الله است. امیرمؤمنان علیه السلام درباره هجرت می‌فرماید: «انما المهاجرون الذين يهجرون السيئات و لهم يأتوا بها» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۶۲۸). با خواندن کتاب انسان ۲۵۰ ساله، انسان یک میل درونی هجرت از بدی‌ها، پلشتی‌ها، گناهان و منکرها به خوبی‌ها، زیبایی‌ها، ثواب‌ها و معروف‌ها در خود حس می‌کند.

نواوری رهبر انقلاب در ارائه نوعی تعامل با تاریخ است که در آن - دست کم - یک اصل از اصول دین، یعنی توحید، یک اصل از اصول تشیع، یعنی امامت و - دست کم - پنج فرع دین شامل تولا، تبرا، امر به معروف، نهی از منکر و جهاد به شکلی سازمان‌یافته معرفی می‌شود و مفاهیمی همچون «هجرت» بدون اشاره مستقیم احیا

می‌گردد، هرچند در کتاب به شکلی غیرسازمان‌یافته شاهد تبیین سایر اصول و فروع دین نیز هستیم؛ مثل بخش‌هایی که درباره عدل و قسط و نماز و حج سخن به میان آمده است.

یازدهم. تبیین فواصل زمانی در تاریخ

رهبر انقلاب تاریخ اسلام را سه گونه زمان‌بندی می‌کند:

نخست. زمان‌بندی اسلام در قالب دو عنوان اسلام به شکل «حکومت» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴) و اسلام به شکل «نهضت» (همان، ص ۱۳۷) در چهار دوره:

۱. اسلام به شکل نهضت، دوران ۱۳ ساله بعثت تا هجرت (همان، ص ۱۳۳)؛

۲. اسلام به شکل حکومت، دوران ۴۱ ساله از هجرت تا پایان خلافت امام حسن علیه السلام (همان، ص ۱۳۴)؛

۳. اسلام به شکل نهضت، از سال ۴۱ هجری (همان، ص ۱۳۴) تا انقلاب اسلامی (همان، ص ۴۰۶)؛

۴. اسلام به شکل حکومت، از انقلاب تا کنون (همان، ص ۴۰۶).

دوم. دوران ۲۵۰ ساله امامت را به چهار دوره تقسیم می‌کند:

۱. دوره اول، دوره سکوت یا همکاری امام با قدرت‌هاست؛ ۲۵ سال میانه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و آغاز خلافت

امیرمؤمنان علی علیه السلام. مسئله اصلی در این دوره جلوگیری از دودستگی در میان مسلمانان و مراقبت از جامعه اسلامی در مقابل دشمنان خارجی است (همان، ص ۷۴).

۲. دوره دوم، دوره به قدرت رسیدن امام است. چهار سال و نه ماه خلافت امیرمؤمنان علیه السلام و چند ماه خلافت

حسن بن علی علیه السلام؛ این دوره یک الگو برای حکومت اسلامی و در عین حال، یک درس و تجربه از وضعیت حکومت اسلامی در میان مردم تربیت نیافته است (همان، ص ۷۵).

۳. دوره سوم ۲۰ سال میان صلح امام حسن علیه السلام و حادثه شهادت امام حسین علیه السلام است. این دوره، دوره تلاش

سازنده کوتاه‌مدت برای ایجاد حکومت اسلامی است (همان، ص ۷۶).

۴. چهارمین دوره در زمانی نزدیک به دو قرن، دوره ادامه روش دوره سوم در برنامه‌ای درازمدت است

(همان، ص ۷۶).

البته به نظر می‌رسد می‌توان دوره نخست را در بیان معظم‌له به دو دوره تقسیم کرد:

یکم. دوره سکوت یا کناره‌گزینی که بعد از ماجرای سقیفه آغاز شد و به مدت چند ماه تا زمان جنگ‌های رده

ادامه می‌یابد (همان، ص ۸۱).

دوم. دوره وزارت که از جنگ‌های رده تا خلافت امام را دربر دارد (همان، ص ۸۹).

همچنین ایشان به دوره‌ای در حد فاصل پایان دوره سوم و آغاز دو قرن برنامه بلندمدت قائل است. معظم‌له در

شرح وضعیت امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «نشانی از یک تعرض صریح در زندگی امام سجاد علیه السلام مشاهده نمی‌کنیم؛

زیرا اگر در آغاز حرکت ائمه علیهم‌السلام در دوره سوم از دوران‌های چهارگانه امامت (همان، ص ۲۵۱) دوره سوم را به دوران آغاز امامت امام سجاده علیه‌السلام نسبت می‌دهند، این در حالی است که رهبر انقلاب پیش‌تر دوره سوم را ۲۰ سال میان صلح امام حسن علیه‌السلام تا واقعه کربلا بیان داشته‌اند.

شاید بتوان این دوره را «دوره چهارم» نامید که به یک فعالیت قریب ۷۵ ساله در برنامه‌های میان‌مدت (همان، ص ۱۸) از امامت امام سجاده علیه‌السلام تا میانه امامت امام صادق علیه‌السلام محدود است.

در لابه‌لای کلمات امام سجاده علیه‌السلام که احتمالاً مربوط به اواخر زندگی و دوران طولانی امامت این بزرگوار هم می‌باشد، اشاره‌ها یا جلوه‌هایی از تعرض با دستگاه خلافت مشاهده می‌شود (همان، ص ۲۵۲).

در تأیید این نکته باید گفت: *آیت‌الله خامنه‌ای* دوره امام باقر علیه‌السلام را دوران فعالیت برای آینده کوتاه‌مدت می‌داند: «در زمان امام باقر علیه‌السلام احتمال زیاد این است که برای آینده کوتاه‌مدت بود» (همان، ص ۱۸).

به نظر می‌رسد در تبیین فرایندی تاریخ، معظم‌له دوران برنامه‌ریزی میان‌مدت را به دو دوره تقسیم می‌کند که در مجموع ۱۴۲ سال را دربر می‌گیرد:

نخست. از واقعه کربلا تا روی کار آمدن منصور عباسی که شامل اقدامات امام سجاده، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام است.

دوم. از روی کار آمدن منصور تا شهادت امام رضا علیه‌السلام که شامل اقدامات امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام می‌شود.

ایشان در فرازی از سخنان خود به این تفکیک اشاره نموده است: برنامه‌ریزی برای ایجاد حکومت اسلامی «از بعد از شهادت امام هشتم، به گمان زیاد برای آینده بلندمدت بود» (همان، ص ۱۸). همچنین نوع تحلیل ایشان از اقدامات امام صادق علیه‌السلام در دوره خلافت منصور، راهبردهای سه‌گانه امام کاظم علیه‌السلام و اقدامات امام رضا علیه‌السلام مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که اگر *مأمون عباسی* امام رضا علیه‌السلام را به شهادت نمی‌رساند هر آن امکان انقلاب اسلامی و سرنگونی *مأمون* توسط امام رضا علیه‌السلام وجود داشت.

گمان زیاد بر این است که فاصله ۱۵ ساله بعد از شهادت امام هفتم تا آن روز و به‌ویژه فرصت پنج‌ساله جنگ‌های داخلی، جریان تنبیح را از آمادگی بیشتری برای برافراشتن پرچم حکومت علوی برخوردار ساخته بود (همان، ص ۳۶۶).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که معظم‌له قائل به هفت دوره امامت است:

۱. دوره سکوت امام؛
۲. دوره وزارت امام؛
۳. دوره خلافت امام؛

۴. دوره برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت برای ساخت حکومت اسلامی از صلح امام حسن علیه السلام تا قیام کربلا؛
۵. نخستین دوره برنامه‌ریزی میان‌مدت، از امامت امام سجاد علیه السلام تا اواسط امامت امام صادق علیه السلام؛
۶. دومین دوره برنامه‌ریزی میان‌مدت، از اواسط امامت امام صادق علیه السلام تا شهادت امام رضا علیه السلام؛
۷. دوره برنامه‌ریزی بلندمدت از امامت امام جواد علیه السلام به بعد.

سوم، تفکیک دوره اقدام. ایشان دوره هریک از ائمه اطهار علیهم السلام و یا در مواردی چند تن از ائمه علیهم السلام را به صورت یک پارادایم، وادی یا عصر معرفی می‌کند که تمام آن دوره دارای یک هدف مشترک است و از قواعد یک پارادایم پیروی می‌کند. این عصر با رسیدن به هدف یا تغییر اساسی وضع موجود، دچار تغییر عصر یا پارادایم شیفیت می‌شود. برای نمونه، دوران سیزده ساله مکه را «فصل اول رسالت» معرفی کرده و آن را مقدمه فصل دوم که دوران مدینه است، می‌داند و فصل دوم را دوران شالوده‌ریزی نظام اسلامی و ساختن یک الگو برای حکومت اسلامی (همان، ص ۳۵).

ائمه هشت‌گانه، از زمان امام سجاد علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام هریک یا هرچند نفر مختصاتی در زمان و به تبع آن، در جهاد خود داشتند (همان، ص ۳۴۷).

دوازدهم. دسته‌بندی کلان فعالیت‌های ائمه اطهار علیهم السلام

رهبر انقلاب فعالیت‌های امامان معصوم علیهم السلام را به دو دسته کلی کارهای معنوی و روحی در ارتباط خود با خدا و بقیه کارها تقسیم می‌نماید و اعتقاد دارد که بقیه کارها در جهت تشکیل حکومت بوده است (همان، ص ۱۹).

سیزدهم. نحوه استفاده رهبر انقلاب از اطلاعات تاریخی

با تأکید بر همین فهم وادی و درک پارادایم اقدام هریک از ائمه علیهم السلام، رهبری از مطالعه وضعیت دشمنان ائمه علیهم السلام، درحالی که شاید هیچ سند تاریخی برای برخی اقدامات ائمه علیهم السلام وجود ندارد، به نتیجه‌گیری تاریخی می‌پردازد که نمونه آن را می‌توان در بیان روایت *الکافی* که «از شمشیر هارون خون می‌چکد» (همان، ص ۳۶۵) مشاهده نمود.

اگرچه در متون تواریخ اسلامی و نیز در کتب حدیث و غیره، به صراحت از فعالیت‌های تعرض‌آمیز و بالنسبه حاد امام باقر علیه السلام سخنی نیست، ولی همواره از عکس‌العمل‌های حساب‌شده دشمن آگاه می‌توان عمق عمل هر کس را کشف کرد (همان، ص ۲۸۵).

این نوع نگاه به تاریخ صرفاً مختص دوره امام باقر و امام کاظم علیهم السلام نیست و در موارد دیگر نیز ایشان با مطالعه رفتارهای حاکمان و گزارش‌های تاریخی به‌ظاهر غیرمرتبط با زندگی امام، به تحلیل تاریخ زندگی ائمه معصوم علیهم السلام می‌پردازند.

باید در پی قراین و شواهد و بطون حوادث ظاهراً ساده‌ای بود که اگرچه نظر بیننده عادی را جلب نمی‌کند، ولی با دقت و تأمل، خبر از جریان‌های پنهانی بسیاری می‌دهد (همان، ص ۳۲۸).

چهاردهم. ارائه تفکر روشمند و راهبردی در تحلیل تاریخ

ایشان کاملاً آگاهانه از رویکرد تحلیل محتوای «دکترینال» و «استراتژیک» استفاده می‌نماید و در بیانات ایشان می‌توان این آگاهی را مشاهده نمود:

همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگ‌تر را نوید می‌دهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۲).

گاهی بعضی‌ها به‌عنوان اینکه ما تاکتیک و روش خود را عوض کردیم، اصل راهبرد را دگرگون می‌کنند (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۴).

در بیانی دیگر می‌فرماید: «اتخاذ تاکتیک هیچ منافاتی ندارد با اینکه انسان آن راهبرد اساسی را به‌هیچ‌وجه فراموش نکند (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۱) و اینکه «تاکتیکی که ما را از استراتژی دور می‌کند، پیداست که غلط است» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۴). در سخنی دیگر اظهار می‌دارد: «امروز وحدت برای شما هم تاکتیک و هم استراتژی و هم یک اصل اسلامی است» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۶۸).

لازم است برای استراتژی تبلیغی علیه صهیونیست‌ها، یک طراحی بنیادین صورت گیرد. اینکه ما به‌صورت تاکتیکی در هر موقعیتی بخشی از مظلومیت‌ها را بیان کنیم، کافی نیست. باید یک راهبرد عمومی در دنیای اسلام به‌صورت مشترک تعیین و عمل شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۰). در جمهوری اسلامی مسئله فلسطین یک مسئله تاکتیکی نیست، یک استراتژی سیاسی هم نیست، مسئله عقیده است» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۸).

ایشان در یکی از سخنرانی‌ها از واژه «دکترین» هم استفاده نموده است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۱). در کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* نیز گاهی از واژه‌های «استراتژی» (ص ۱۶۰ و ۳۰۳) و «تاکتیک» (ص ۲۲۲، ۲۰، ۱۶، ۲۹۳) استفاده شده است.

در ادامه - برای نمونه - به استفاده از این روش در فصل «امام باقر علیه السلام» اشاره می‌شود. در این فصل معظم‌له به تبیین کامل‌ترین دشمن نیز پرداخته است. ایشان دکترین جریان خلافت بنی‌امیه در این دوره را «تحریف اسلام» دانسته، در تبیین چرایی آن می‌نویسد:

اگر قرار بود احکام اسلامی و آیات قرآنی همان‌طوری که هست برای مردم تبیین بشود، امکان ادامه حکومت و زمام‌داری و قبضه کردن قدرت برای اینها نبود. این بود که دست به تحریف زدند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۲۷۵).

همچنین دو راهبرد اصلی بنی‌امیه در چگونگی تحریف اسلام را به خدمت گرفتن علمای دین به‌وسیله «تطمیع» و «تهدید» می‌داند؛ برای آنکه همان چیزی را که مورد علاقه آنهاست در بین مردم ترویج کنند و یک مبنای غلط فکری به نفع خود و به نام اسلام مطرح نمایند و دایم در منابر دنیای اسلام در جهت شکل‌دهی به فکر مردم تکرار کنند (همان، ص ۲۷۵).

مبتنی بر دکترین دشمن، آیت‌الله خامنه‌ای دکترین امام باقر علیه السلام را «مبارزه با تحریف در معارف اسلامی» می‌داند (همان، ص ۲۸۴). چرایی انتخاب این دکترین توسط امام را باید در چارچوب تقابل با دکترین دشمن بررسی نمود. اما در زمینه چگونگی، امام باقر علیه السلام از سه راهبرد استفاده نمودند:

۱. مبارزه فرهنگی برای عوض کردن ذهن مردم (همان، ص ۲۷۷)؛

۲. موضع‌گیری خصمانه در برابر قدرتهای فکری و فرهنگی (همان، ص ۲۸۱)؛

۳. ادامه سازماندهی پنهانی شیعیان (همان، ص ۲۷۹).

تاکتیک امام باقر علیه السلام در پیاده‌سازی راهبردهای سه‌گانه عبارت است از: اجتناب از درگیری با قدرت مسلط در صحنه‌ای حاد و پیکاری رویاروی (همان، ص ۲۹۰). رهبر انقلاب به برخی راهکارهای (تکنیک) امام برای پیشبرد هر راهبرد هم اشاره می‌کند.

راهبرد نخست:

۱. تبیین قرآن برای مردم (همان، ص ۲۷۷)؛

۲. در هر فرصت مناسبی با نشان دادن گوشه‌ای از واقعیت تلخ و مرارت‌بار زندگی شیعه، مردم غافل را آماده گرایش‌های تند و جهت‌گیری انقلابی می‌ساخت (همان، ص ۲۸۲)؛

۳. به‌منظور برگزاری مراسم عزاداری برای خودشان به‌مدت ۱۰ سال در منا به امام صادق علیه السلام وصیت کردند (همان، ص ۲۹۳).

استراتژی دوم:

۱. سخن گفتن با لحن اعتراض‌آمیز خطاب به کثیر شاعر (همان، ص ۲۸۱)؛

۲. شماتت عکرمه (همان، ص ۲۸۲).

استراتژی سوم:

۱. تربیت شاگردان و تبدیل آنها به وکلای امام در سطح جهان اسلام (همان، ص ۲۷۹)؛

۲. بیان سَمَت کلی حرکت امامت که ایجاد نظام اسلامی است، برای شیعیان در جهت زنده‌سازی آرمان بزرگ شیعه؛

۳. برانگیختن احساسات در حد لازم در میان شیعیان؛

۴. نوید آینده دلخواه که چندان دور هم نیست (همان، ص ۲۹۱)؛

۵. تعیین سال پیروزی (همان، ص ۲۹۲).

پانزدهم. نتیجه‌گیری

ایشان نتیجه را این‌گونه بیان می‌کند:

اگر ائمه علیهم السلام غیر از این دو کاری که گفتیم (شرایط امام و معرفی شخص امام) هیچ کار دیگری نداشتند، کافی بود که ما بگوییم: زندگی ائمه علیهم السلام از اول تا به آخر یک زندگی سیاسی است (همان، ص ۲۴).

شانزدهم. ارائه پیشنهادات پژوهش

در سرتاسر کتاب شاهد ارائه پیشنهادات تحقیقی کلی یا جزئی هستیم؛ نظیر:

۱. پیگیری عنصر مبارزه سیاسی حاد در زندگی ائمه اطهار علیهم السلام (همان، ص ۱۵)؛

۲. تدوین زندگی سیاسی امامان معصوم علیهم السلام (همان، ص ۱۸)؛

۳. انجام کار پژوهشی عمیق تفسیری بر روی خطبه‌های امام سجاد علیه السلام در شام (همان، ص ۲۰۰)؛

۴. تألیف زندگی‌نامه مدون امام کاظم علیه السلام (همان، ص ۳۴۹)؛

۵. ترجمه و چاپ رساله حقوق امام سجاد علیه السلام و کار عمیق روی صحیفه سجادیه (همان، ص ۲۴۸)؛

۶. بررسی روش‌های استحاله مؤمنان و ایستادشان در مقابل حق توسط معاویه (همان، ص ۱۳۹).

اینها تنها برخی از پیشنهادات این اثر تحلیلی - تاریخی است. ایشان در این خصوص - به‌طور کلی - می‌فرماید: من رئوس مطالب را عرض می‌کنم تا کسانی که شوق دارند دنبال مسئله بروند؛ با این چارچوب یک بار دیگر روایات را نگاه کنند، کتب تاریخ را ببینند (همان، ص ۱۹).

نتیجه‌گیری

در بررسی انجام‌شده بر روی کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* به این نتیجه رسیدیم که *آیت‌الله خامنه‌ای* با روش‌های معمول استاد به مطالعه تاریخ می‌پردازد. ایشان علاوه بر قرآن، از منابع دست اول و معتبر حوزه‌های حدیث، کلام، تاریخ و رجال استفاده می‌نماید. ۶۴.۵٪ روایات استفاده‌شده در کتاب از نوع خبر متواتر و مشهورات تاریخی و متضافر هستند و از این حیث، تحلیل‌ها بر بستری از اجماع تاریخی و حدیثی قرار دارد. همچنین ثابت گردید که ایشان در استفاده از روایات دقت لازم را دارد و به صحت روایت توجه می‌نماید.

ایشان در مطالعه تاریخ، چارچوب مفهومی مشخصی دارد که آن را در قالب سه فرضیه به چارچوب نظری تبدیل نموده است. ایشان مسئله خود را در مطالعه تاریخی به‌طور واضح بیان می‌دارد و تعاریف مدنظر خویش را ارائه می‌دهد. سپس به بررسی پیشینه مطالعاتی پرداخته، احاطه خود را به پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد. مطالعات ایشان دارای محدوده موضوعی و زمانی قابل تمییز است. نگاه ایشان به تاریخ نوآورانه و تازه است. نگاه فرایندی و هوشمندانه به تاریخ دارد و از نگاه داده‌وار می‌پرهیزد. مهم‌ترین بخش روش تحلیل ایشان نگاه توحیدی به تاریخ است. ایشان مفاد تاریخی را به ثنویت‌های توحیدی تبدیل می‌کند و سپس وقایع را حول آن ثنویت تحلیل می‌نماید.

ویژگی دیگر، تبیین فواصل زمانی در تاریخ است. ایشان به سه نوع تقسیم‌بندی زمانی در کتاب قائل است. معظم‌له صرفاً از طریق روایات موجود دربارهٔ ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام به تحلیل تاریخ نمی‌پردازد، بلکه از سایر مفاد تاریخ که حتی به‌ظاهر با زندگی ائمه علیهم‌السلام بی‌ربط هستند نیز بهره می‌برد. رهبر انقلاب در سخنرانی چندان تمایلی به بیان منبع روایات تاریخی ندارد، اما گاهی به منبع نیز اشاره می‌نماید، در این حال برای خواننده، تسلط ایشان بر منابع محرز می‌شود.

ویژگی دیگری که در این پژوهش اثبات گردید، نگاه روشمند و راهبردی ایشان به تاریخ است که نشان‌دهندهٔ قواره‌مندی مطالعهٔ تاریخی رهبری است.

در این پژوهش به تعریفی نسبتاً جامع از روش تحلیل تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* رسیدیم. یافته‌ها عبارتند از:

۱. معظم‌له قائل به استفاده از علومی نظیر کلام و حدیث در تحلیل تاریخ بوده و دارای سبک خاصی در این خصوص است.
۲. مطالعات تاریخی ایشان روشمند بوده و دارای قابلیت تکرارپذیری برای محققان است.
۳. ابزاری برای مطالعه کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.
۴. تعریفی دقیق از چگونگی استفاده از منابع در تحلیل‌های کتاب ارائه شد تا از این طریق بتوان به‌تیین نظریات و قوانین علمی جدید در حوزه تاریخ و دیگر علوم پرداخت.

منابع

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴، در:
<https://khl.ink/f/3294>
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس دولت موقت و رهبران مجاهدین افغانستان، ۱۳۶۸، در: <https://khl.ink/f/2195>
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸، در: <https://khl.ink/f/8952>
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰، در: <https://khl.ink/f/3103>
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱، در: <https://khl.ink/f/3123>
- بیانات رهبر معظم انقلاب در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱، در: <https://khl.ink/f/20840>
- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۹، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چ هفدهم، تهران، سمت.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۵، *انسان ۲۵۰ ساله* (بیانات رهبر انقلاب درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه علیهم السلام)، قم، مؤسسه ایمن جهادی.
- فیض، علیرضا، ۱۳۸۴، *مبانی فقه و اصول*، چ هفدهم، تهران، دانشگاه تهران.
- قائم‌مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۸، *روش تحقیق در تاریخ‌نگاری*، تهران، دانشگاه ملی ایران.
- قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۴ق، *سفینه البحار*، قم، اسوه.
- کالینز، جان، ام، ۱۳۸۶، *استراتژی بزرگ*، ترجمه کورش بایندر، چ چهارم، تهران، وزارت امور خارجه.
- ملائی توانی، علیرضا، ۱۳۹۰، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، چ چهارم، تهران، نشر نی.